

## مقدمه :

حقوق بین الملل مانند سایر قوانین ، از لحاظ ساختاری و سیستماتیک ، پویا ، در حال رشد و توسعه می باشد و به سوی پرداختن به موضوعات جدید است . حقوق بین الملل درصدد است تا با پیشرفت های اجتماعی ، حقوق بشر دوستانه بین المللی ، قوانین عام بین الملل ، در کنترل ، استفاده و نقض قدرت عموم همسو و همگام باشد.

خلع سلاح یا کنترل سلاح ، موضوعی است که در قرن بیستم در حقوق بین الملل مطرح شد . این موضوع یعنی خلع سلاح ، در منشور سازمان ملل و پیمان نامه جامعه ملل هم عنوان شده است. معمولاً ، کنترل سلاح بر حقوق بین المللی تسلیحات و سلاح دلالت دارد . کنترل سلاح را می توان بعنوان یک ارزیابی لازم برای اطمینان از وجود تعادل نظامی تعریف کرد که می تواند به افزایش سلاح منجر شود . این مسئله به شکل دیگری هم استنباط می شود ، اما در هر حال با خلع سلاح ارتباط پیدا می کند . از سویی دیگر کنترل سلاح را می توان به تحریم یا کاهش تسلیحات سلاح ارجاع داد.<sup>1</sup>

در سالهای اخیر ، چنین به نظر می رسد که این دو عبارت خلع سلاح و کنترل سلاح با هم یکسان هستند . بینش کنترل سلاح شامل کاهش ، محدودسازی و توقف سلاح یا روشهای جنگیدن و اقدامات نظامی می باشد . اغلب از این عبارت بعنوان عبارتی مترادف " تنظیم و تدوین سلاح" ، "محدودکردن سلاح" و حتی "خلع سلاح" هم استفاده شده است . اغلب اوقات ، سازمان ملل از عبارت "خلع سلاح" استفاده می کند هر چند چنین به نظر می رسد که این دو عبارت در زمانی به یک معنا بودند.

---

<sup>1</sup> Michael Renner, *Small Arms, Big Impact: The Next Challenge of Disarmament*, (New York, DIANE Publishing, 1997), p.46, Para 3

اعضای جامعه ملل در ماده ۸ این پیمان نامه، صراحتاً پذیرفته اند که حفظ صلح و امنیت در جهان مستلزم کاهش تسلیحات ملی است و این کاهش باید تا پایین ترین سطح باشد تا بتوان با حقوق بین الملل و اجرای آنها به امنیت ملی دست یافت. با این وجود منشور سازمان ملل متحد در اهداف و قوانین اصلی و پایه ای خود به خلع سلاح اشاره نکرده است، فقط از این عبارت یعنی خلع سلاح فقط در ماده ۱۱، ۲۶ و ۴۷ این منشور استفاده شده است. به مجمع عمومی سازمان ملل هم اختیار داده شده است تا برای کنترل خلع سلاح و تنظیم و تدوین سلاح، به حقوق بین الملل مراجعه نماید. برای رسیدن به این هدف باید در چهارچوب همکاری کار کرد تا بتوان صلح و امنیت را حفظ نمود. شورای امنیت سازمان ملل هم به این قدرت یعنی قدرت همکاری اعتماد دارد و طرحهایی را برای ایجاد یک سیستم، برای تنظیم و کنترل سلاح ارائه نموده است.<sup>۱</sup>

دیدگاهی قانع کننده و مقبول وجود دارد و آن این است که کنترل سلاح به عنوان یک اصل جهانی در پیمان بین ملت ها همانند منشور سازمان ملل، جایگاهی همیشگی برای خود دارد. ممنوعیت استفاده از زور و اجبار تحت ماده (۴) بند ۲ این منشور، مبنایی حقوقی برای محدودیت سلاح ارائه کرده است. بنابراین این منشور از جانشین خود ضعیف تر نیست. مسئله اصلی که در این قسمت، باید مطرح شود، تکثیر سلاح های سبک و کوچک و همچنین تجارت و نقل و انتقال غیرقانونی آنها می باشد. این اعتقاد وجود دارد که در حدود ۷۰۰ میلیون سلاح های سبک و کوچک در سطح جهان موجود است که می تواند باعث عدم ثبات امنیت و یا بروز بسیاری از نگرانی ها در خصوص حقوق بین المللی شود. سلاح های سبک و کوچک نیز از جمله ابزارهای اولیه برای تجاوز و سوء استفاده از قوانین و اصول انسان دوستانه از سوی دولت ها، تروریست ها و جانیان به شمار می رود.

---

<sup>۱</sup> *Zeray Yihdego, The Arms Trade in International Law*, (London, Hart Publishing, 2008, p.12)

بسیاری از افراد ، آنها را به عنوان سلاح های واقعی برای از میان بردن نسل بشر می دانند . این سلاح ها ، می تواند باعث مرگ حدود نیم میلیون نفر به صورت سالیانه شود . انتقال بین المللی و نامحدود سلاح های سبک و کوچک از سوی دولت ها ( ۹۹ دولت و بیش از ۱۰۰۰ شرکت که در تولید و تأمین این سلاح ها ، مشارکت دارند ) ، نیز یکی از فاکتورهایی است که می تواند آتش این بحران ها را بیشتر نماید . در حقیقت این موارد ، منبع اصلی قاچاق غیرقانونی سلاح های سبک و کوچک به شمار رفته و بنابراین لازم است توجه خود را بر روی آن معطوف ساخت .<sup>۱</sup>

هدف نوشتار حاضر ، بررسی ابعاد مفهومی و نظری مسئله منع اشاعه و تکثیر تسلیحات سبک و کوچک است . در این نوشتار ، سعی شده است با بهره گیری از دیدگاه ها و نظراتی که کارشناسان و صاحب نظران مسائل امنیتی و خلع سلاح ارائه کرده اند ، چشم اندازی از رژیم در حال تکوین در حوزه تسلیحات سبک و کوچک ، خصوصاً در مورد نقل و انتقال این نوع تسلیحات ترسیم شود .

بنابراین ، این پایان نامه ، دربرگیرنده یک مسئله اساسی در خصوص این نکته است که ، آیا حقوق مربوط به کنترل تسلیحات و سایر هنجارهای وابسته ، باعث ایجاد محدودیت هایی در خصوص نقل و انتقال سلاح های سبک و کوچک از سوی دولت ها می شود ؟

فرضیه ای که مورد بررسی قرار می گیرد این است که ، حقوق بین الملل توانسته است در کاربرد حقوق مربوط به کنترل این نوع از تسلیحات و یا ایجاد سایر محدودیت ها و تعهدات در این زمینه موفقیت هایی را کسب نماید . پیشرفت هایی که در دهه اخیر به ویژه در سال ۲۰۰۶ ، و از سوی کنوانسیون ECOWAS<sup>۲</sup> ، بدست آمد نیز قابل ملاحظه می باشد . همچنین ، قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب دسامبر سال ۲۰۰۶ که تحت عنوان معاهده

---

<sup>۱</sup> Ibid, p.34

<sup>۲</sup> Economic Community Of West African States

تجارت تسلیحات نامیده می‌شد،<sup>۱</sup> در این زمینه گنجانیده شده است. از آنجا که کاربرد این قبیل هنجارهای بین‌المللی در خصوص این مسئله، به خوبی بررسی شده است، در نتیجه سایر عملکردهای وابسته از سوی جامعه بین‌المللی در تمامی سطوح از جمله، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز از جمله منابع بسیار مهم در خصوص حقوق بین‌المللی و سایر رژیم‌های حقوقی می‌باشد. جزئیات مربوط به این استانداردهای قانونی نیز مربوط به گسترش یک نوع حقوق بین‌المللی در این زمینه است.

نتیجه اینکه حقوق بین‌الملل پیشرفت‌هایی در زمینه محدود سازی نقل و انتقال سلاح‌های سبک و کوچک کسب نموده است. با توجه به حمایت همه‌جانبه جهانی خصوصاً حمایت گسترده کشورهای و سازمان‌های غیردولتی از قطعنامه‌های سازمان ملل و سایر اقدامات مشابه شاید بتوان ادعا کرد عنصر معنوی (باور عموم) تا حد قابل توجهی تحقق یافته است. لیکن تشخیص این امر مهم نیز در صلاحیت علمای علم حقوق و نهادهای مهمی چون دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد. اما با این حال در سطح بین‌المللی و به دلیل عدم فراهم آمدن حداقل یکی از دو عنصر لازم برای شکل‌گیری قاعده عرفی یعنی عنصر مادی (تکرار) لذا می‌توان گفت: در حال حاضر ممنوعیت تولید، تجارت و نقل و انتقال سلاح‌های سبک و کوچک عرفاً مورد شنا سایی قرار نگرفته است. لذا پیش‌بینی می‌شود در آینده نه چندان نزدیک همانند کنوانسیون جنایات سازمان یافته فراملی، شاهد تدوین کنوانسیون یا پروتکلی جهان شمول در خصوص کنترل سلاح‌های سبک و کوچک باشیم.

مشکل اساسی در این زمینه این است که بدلیل ماهیت این موضوع و عدم اطمینان و ابهام در حقوق اولیه حقوق بین‌الملل نمی‌توان به ابعاد بسیار مهم در این زمینه به طور عمیق پرداخته

---

<sup>1</sup> UN DOC, (A/RES/61/89, 18 December 2006)

شود و همچنین وجود این حقیقت که تمامی این مشکلات پیچیده را نمی توان در یک تحقیق و بررسی مورد ارزیابی قرارداد .

به همین دلیل این پایان نامه به دو بخش تقسیم می شود . در بخش اول که شامل دو فصل است، درباره شناخت سلاح های سبک و کوچک و مبانی فکری محدود سازی آنها توضیح داده خواهد شد . در گفتار اول از فصل اول این بخش دسته بندی سلاح ها را از منظر حقوق بشر دوستانه بین المللی دوستانه و حقوق کنترل تسلیحات مورد بررسی قرار داده و گفته خواهد شد که در حقوق بین الملل ، دو دسته از حقوق به مسئله جنگ افزارها می پردازند : الف ) حقوق بشر دوستانه بین المللی دوستانه بین المللی یا حقوق جنگ ؛ ب) حقوق بین الملل کنترل تسلیحات ( و خلع سلاح ) . در حقوق جنگ سنتی یا حقوق بشر دوستانه بین المللی دوستانه ( که در واقع بخشی از حقوق جنگ سنتی را تشکیل می دهد ) ، مبحث ابزارها و شیوه های جنگیدن ، قواعد و مقررات ویژه جنگ افزارها را مورد مطالعه قرار می دهد ( موسوم به حقوق لاهه ، در مقابل حقوق ژنو که حمایت افراد را مدنظر دارد) . در مورد حقوق بین الملل کنترل تسلیحات نیز هدف کنترل تسلیحات را حفظ صلح از طریق خودداری از مسابقه تسلیحاتی متضمن تأثیرات بی ثبات کننده دانسته و این مفهوم اقداماتی از قبیل محدود کردن و کاستن از برخی تسلیحات ، ممنوعیت برخی فعالیت های نظامی ، تنظیم صف آرای نیروهای نظامی ، ممنوع کردن انتقال برخی اقلام مهم نظامی و ایجاد اطمینان در میان دولتها از طریق شفافیت بیشتر موضوعات نظامی را در برگیرد . اهداف دیگری همچون محدود کردن صدمات و خرابیهای جنگ و کاهش هزینه های نظامی نیز برای کنترل تسلیحات برشمرده شده است .

گفتار دوم از فصل اول این بخش نیز تعریف سبک و کوچک و ماهیت ویژگی های آن توضیح داده خواهد شد که " تسلیحات سبک و کوچک " عبارتست از هر نوع سلاح پرتابی یا شلیکی است که قابل حمل توسط فرد بوده و یا توانایی شلیک گلوله، موشک، یا هر ماده منفجره

دیگر را داشته باشد. البته این مورد مجزا از تسلیحات تسلیحات سبک و کوچک آنتیک می باشد. تسلیحات سبک و کوچک آنتیک با توجه به قوانین داخلی کشورها طبقه بندی می گردد. و هیچ تسلیحات سبک و کوچک آنتیکی که پس از ۱۸۹۹ ساخته شده است شامل این قانون نمی باشد و در ادامه بیان می شود که این نوع از سلاح ها دارای ویژگی های از قبیل چون کم هزینه بودن، سادگی، دوام، قابلیت حمل و قابل فسخ هستند که آنها از سایر سلاح های موجود جدا می سازد.

همچنین در فصل دوم از بخش اول به انگیزه ها و مبانی فکری محدودسازی نقل و انتقال سلاح های سبک و کوچک اشاره خواهد شد. در گفتار اول از این فصل سعی شده است به بررسی انگیزه های بشردوستانه و در گفتار دوم در خصوص انگیزه های کنترل تسلیحاتی دولت ها در بحث مربوط به نقل و انتقال تسلیحات سبک و کوچک پرداخته شود.

در بخش دوم این پایان نامه به اقدامات جامعه بین المللی برای محدودسازی نقل و انتقال سلاح های سبک و کوچک دارد و فصل که در فصل اول آن به اقدامات سازمان ملل متحد در قالب دو گفتار پرداخته خواهد شد. در گفتار اول از فصل اول این بخش به حقوق لازم الاجراء یعنی قطعنامه های شورای امنیت و معاهدات بین المللی موجود خلع سلاحی اشاره می شود. در گفتار دوم از این بخش نیز به حقوق قوام نیافته یعنی گزارشات دبیر کل سازمان ملل متحد و قطعنامه های مجمع عمومی و برنامه عمل سازمان ملل متحد در مورد سلاح های سبک و کوچک پرداخته خواهد شد. در فصل دوم از این بخش نیز به اقدامات منطقه ای و همچنین اقدامات کمیته بین المللی صلیب سرخ در قالب دو گفتار پرداخته خواهد شد و بیان خواهد شد که اقداماتی برای جلوگیری از انتقال سلاح های سبک و کوچک به مناطقی که این نوع از سلاح ها باعث خشونت علیه بشر و نقض حقوق انسانی می شود، انجام گرفته خواهد شد.

نتیجه اینکه اساساً مشکلی که در این پایان نامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت این است که حقوق بین الملل هیچ هنجار یا قانونی ارائه نمی دهد که به موضوع انتقال سلاح ها ارجاع داده شود. ثانیاً، تعریف سلاح های سبک و کوچک و پرسش درباره محدودیت در تولید سلاح های سبک و کوچک بعنوان مشکلات قانونی تلقی شده اند و ثالثاً، توجه به ماهیت چندمنظوره سلاح های سبک و کوچک، شرایط و استفاده بالقوه از این سلاح های سبک و کوچک در واقع مبنای بررسی هنجارهای حقوق بین الملل بوده است. رابعاً، هرچند تمرکز و تأکید اصلی بر روی تجارت قانونی و پیرامون موضوع انتقال آنهاست اما تجارت غیرقانونی هم تا حدی مورد توجه می باشد. این بدان معناست که با کمک قوانین مرتبط با حقوق بین الملل باید در سطح کشورها یک بررسی دقیق انجام شود. با این وجود، برخی ابعاد قانونی که در فوق بدانها اشاره شد با خود دلایلی به همراه آورده اند. همچنین پرسشهایی در حیطه اقتصاد دی به وجود می آید که پرداختن به آنها از حوصله این پایان نامه خارج می باشد.

در مجموع در این پایان نامه تمام بخش ها، فصل ها، طوری سازمان دهی شده اند تا نشان دهند: (۱) مشکلات و حوزه های مورد بحث کدامند (۲) حقایق و تصاویر مرتبط کدامند (۳) قوانین عملی و تلاش در هر سطح چگونه باید باشند (۴) بررسی قوانین (منابع، محتویات قوانین، استانداردها و استثنائات و مشکلات) و (۵) نتیجه گیری در این پایان نامه، عبارت "تجارت"، "صادرات - واردات" یا "انتقالات" با هم یک معنا را می رسانند.

باید گفته شود که این پایان نامه، اولین پایان نامه ای است که طی دهه گذشته در مورد حقوق حاکم بر سلاح های سبک و کوچک به نگارش در آمده، بنابراین لازم به ذکر است، کمبود منابع فارسی و فیلتر بودن بیشتر سایت هایی که باید از آن ها استفاده می نمودم و همچنین محرمانه بودن اطلاعات نظامی کشورها و دسترسی نداشتن به آنها از مشکلات عدیده ای بود

که من در مورد موضوع پایان نامه ام با آنها برخورد نمودم . در خاتمه امید است که پایان نامه های ما روزیروز دقیق تر گردد و این تحقیق بتواند راهگشای مطالعات و پژوهشهای آینده در زمینه ی سلاح های سبک و کوچک شود .

# بخش اول

شناخت سلاح های سبک و کوچک و مبانی فکری محدود سازی آنها



تولید و تکثیر تسلیحات سبک و کوچک یکی از مسائل و چالش‌های نسبتاً جدیدی است که در حوزه خلع سلاح مطرح شده است. هرچند استفاده از تسلیحات مزبور سابقه‌ای طولانی دارد، اشاعه و تکثیر آنها در بسیاری از مناطق دنیا تحول جدیدی است و ریشه در جنگ سرد دارد. دوقطبی شدن جهان و ظهور تسلیحات هسته‌ای، ابرقدرت‌های آن دوره را متوجه بازارهای خرید کشورهای در حال توسعه کرد. در نتیجه، آنان در این بازارها با یکدیگر به رقابت نظامی پرداختند. آنها تحویل تسلیحات به نیروها و مخالفان درگیری‌های این کشورها را با ضرورت پشتیبانی از نهضت‌های آزادی‌بخش یا ضرورت سرکوب‌های شبه‌نظامی توجیه می‌کردند. در این منازعات، از تسلیحات کوچک و سبک اغلب علیه غیرنظامیان و دقیقاً با هدف ایجاد بی‌ثباتی و سرنوشتی حکومت‌ها استفاده می‌شد.

هم‌چنین در طول جنگ سرد، به دلیل پیشرفت فناوری، کشورهای بیشتری قابلیت و امکانات تولید تسلیحات مزبور را به دست آوردند. در نتیجه، این تسلیحات بیشتر در دنیا اشاعه یافتند. بدین ترتیب، در اثر تولید و تکثیر وسیع تسلیحات سبک و کوچک، میلیون‌ها نفر جان خود را از دست داده و زیربناهای اقتصادی - اجتماعی بسیاری از کشورها تخریب شده‌اند.<sup>1</sup>

هدف این بخش، بررسی ابعاد مفهومی و نظری مسئله منع اشاعه و تکثیر تسلیحات سبک و کوچک است. در این نوشتار، سعی شده است با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و نظرانی که

---

<sup>1</sup> James Crawford, The International Law Commission's Articles on State Responsibility Introduction, Text and Commentaries, (Cambridge University Press, Cambridge, 2007, p.149)

کارشناسان و صاحب نظران مسائل امنیتی و خط ع سلاح ارائه کرده اند، چشم اندازي از رژیم در حال تکوین در حوزه تسلیحات کوچک و سبک ترسیم شود. در این راستا، ابعاد مفهومی و ویژگی های تسلیحات کوچک و سبک را در آغاز بررسی خواهیم کرد.

## فصل اول: مفهوم شناسی سلاح های سبک و کوچک

علی رغم اهمیت بالای سلاح های سبک و کوچک، صاحب نظران، تحلیلگران و سیاست گذاران به آنها توجه اندکی کرده اند. یکی از دلایل این بی توجهی آن است که اصولاً این تسلیحات تحت تأثیر سیستم های تسلیحاتی بزرگ بوده اند و با آنها به مثابه جنبه ای جزئی از تجارت اسلحه برخورد شده است، در حالی که سلاح های سبک و کوچک مقوله متمایزی محسوب می شوند و ویژگی های منحصر به فردی دارند که آنها را از سایر انواع سلاح ها متمایز می کند. بنابراین، ویژگی های منحصر به فرد سلاح های سبک و کوچک ایجاب می کند که به آنها بیشتر توجه کنیم. از آن جا که در جنگ های اخیر، نیروهای شبه نظامی برای تحقق اهدافشان بخش عمده ای از کشتارها را اغلب با تسلیحات سبک و کوچک انجام داده اند، جامعه بین المللی نمیتواند نسبت به تأثیر قاچاق سلاح های سبک و کوچک در محیط امنیتی دنیا بی تفاوت باشد. این تسلیحات صلح و ثبات بین المللی را تهدید می کنند، تهدیدی که کم اهمیت تر از تهدیدات سلاح های متعارف عمده نیست. چرا که این سلاحها باعث وخیم تر شدن تضادها، آواره گی بسیاری از مردم، ایجاد بی نظمی و بی قانونی، و گسترش فرهنگ خشونت و فرار از عقوبت اعمال جنایتکارانه شده است. وی همچنین گفت که "تسلیحات کوچک، تهدیدی برای صلح، روند توسعه، دموکراسی و حقوق بشر دوستانه بین المللی تلقی می شوند."<sup>1</sup>

در این راستا، دسته بندی سلاح ها از منظر حقوق بشر دوستانه و حقوق کنترل تسلیحات و همچنین مفهوم شناسی سلاح های سبک و کوچک به ما کمک می نماید تا بتوانیم آنها را از سایر سلاح ها متمایز نماییم.

---

<sup>1</sup> Alexandra Bovine, Complicity and Beyond: International Law and Transfer of Small Arms and Light Weapons, International Review of the Red Cross, (Volume 87, number 859, September 2009, p.40)

گفتار اول : دسته بندی سلاح ها : ملاک های حقوق بشر دوستانه بین المللی دوستانه و

### حقوق کنترل تسلیحات

در حقوق بین الملل ، دو دسته از مباحث مربوط به جنگ افزارها می پردازند : الف ) حقوق بشر دوستانه بین المللی دوستانه بین المللی یا حقوق جنگ ؛ ب) حقوق بین الملل کنترل تسلیحات ( و خلع سلاح ) . در حقوق جنگ سنتی یا حقوق بشر دوستانه بین المللی دوستانه فعلی ( که در واقع بخشی از حقوق جنگ سنتی را تشکیل می دهد ) ، مبحث ابزارها و شیوه های جنگیدن ، قواعد و مقررات ویژه جنگ افزارها را مورد مطالعه قرار می دهد ( موسوم به حقوق لاهه ، در مقابل حقوق ژنو که حمایت افراد را مدنظر دارد ) .

در ابتدا باید مفهوم حقوق جنگ را بررسی نمود. فرهنگ حقوق بین الملل درباره حقوق جنگ می گوید : (( حقوق جنگ یا Jus in Bello ، شامل آن دسته قواعد و اصول حقوق بین الملل است که به منظور اداره و کنترل رفتار جنگی طراحی شده یا توسعه یافته است . آنها طیف وسیعی از موضوعات را پوشش می دهند، به عنوان مثال ، تأثیر جنگ بر روابط دیپلماتیک ، کنسولی و معاهداتی بین دولتهای متخاصم ؛ روابط بین متخاصمان و دولتهای ثالث و ملت‌های آنها ؛ روش ها و ابزارهای جنگیدن ؛ تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان ؛ حمایت از دسته های خاصی از افراد و اهداف در مقابل برخی پیامدهای جنگ )) . این مفهوم بعدها در طریق تحول ، بنا به دلایلی جای خود را به مفاهیم دیگری از قبیل (( حقوق مناقشات مسلحانه )) و یا حقوق بشر دوستانه بین المللی دوستانه سپرد . عبارت حقوق جنگ ، به این دلیل متروک گردید که اولاً به نوعی به جنگ مشروعیت می بخشید ، در حالی که پس از تحولات اوایل قرن بیستم ، توسل به جنگ ( مگر در موارد ویژه ای ) مشروعیت خود را از دست داده بود ؛ ثانیاً کلمه جنگ تنها نظر به درگیری های کوچک و غیر مسلحانه را شامل نمی شد ؛ و ثالثاً عناصر غیردولتی و همچنین و درگیری های غیر بین المللی را نیز در بر نمی گرفت بنابراین مفهوم ((

حقوق بشر دوستانه بین المللی در مخاصمات مسلحانه)) پا به عرصه وجود نهاد.<sup>۱</sup> حقوق بین الملل بشر دوستانه اصولاً اصطلاح نوین در ادبیات حقوقی به جای حقوق جنگ است و به صورت روشن، اصل بشریت و جایگاه آن را در صدر اهداف حقوق مذکور نشان می دهد. اما در این میان اصولی وجود دارند که فارغ از وضعیت خاص مخاصمه و وضعیت طرفهای متخاصم اعمال میشوند. این همان اصول بین المللی حقوق بشر دوستانه بین المللی هستند که منزلتی بسان قواعد عرفی و عام الشمول یافته اند.<sup>۲</sup>

### الف) حقوق بین الملل بشر دوستانه

حقوق بین الملل بشر دوستانه یا به عبارت مستعمل تر نیروهای نظامی یعنی حقوق مخاصمات مسلحانه، بخشی از حقوق بین الملل است که برای محدود کردن توسل به زور در زمان جنگ بین دولت های مختلف (یا و قوع نزاع مسلحانه غیربین المللی با هدف انسانی کردن و تحدید آثار آن و حمایت از قربانیان و افراد و اهداف در معرض آثار مذکور) ایجاد شده است. اگرچه هدف این حقوق ممکن است کاهش یا امحای درگیری مسلحانه به نظر برسد یا برخی آن را بدین منظور استعمال نماید. ولی این مسئله نه هدف مشخص آن و نه پایه اصل و حوزه اقتدار آن نیست. قدرت و اقتدار مذکور در محدوده ای قرار می گیرد که مخاصمات مسلحانه به وقوع پیوسته و وقوع آن ادامه یابد و محدودیت های خاص حاکم بر آنچه ممکن است در تعقیب پیروزی نظامی و سیاسی انجام گیرد برای غیررزمندگان، رزمندگان و در کلیت آن جامعه جهانی، مطلوب ضروری است. حقوق بین الملل بشر دوستانه همراه با بسیاری از مفاهیم آن نظیر احترام به غیر رزمندگان و محدودیت های حاکم بر نوع تسلیحاتی که ممکن است مورد

---

<sup>۱</sup> سید کمال رفیعی، موازین حقوقی حاکم بر سلاح های متعارف، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، صفحه ۲۶.

<sup>۲</sup> نادر ساعد، حقوق بشر دوستانه و سلاح های هسته ای، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۶، ص ۲۷

استفاده واقع شود از ریشه های قدیمی برخوردار است و می توان آنها را در بسیاری از

فرهنگ های مختلف یافت .<sup>۱</sup>

تحول و توسعه مدرن حقوق بین الملل بشردوستانه معمولاً در این سه سند جستجو می شود:

- ۱- دستورالعمل مربوط به نیروهای مسلح ایالات متحده آمریکا در جنگ مورخ ۱۸۶۳
- (دستورالعمل ۱۸۶۳ لیبر) ۲- کنوانسیون ژنو بهبود شرایط مجروحان و بیماران در نیروهای مسلح در جنگ ۱۸۶۴ (کنوانسیون ژنو ۱۸۶۴) ۳- اعلامیه منع استفاده از نارنجک های انفجاری زیر ۴۰۰ گرم مورخ ۱۸۶۸ (اعلامیه سن پترزبورگ ۱۸۶۸)

این سه سند طرحهای نوین حقوق بین الملل بشردوستانه را برجسته می سازد زیرا :

اولاً- قواعد رفتاری نظامیان ، جهت رعایت قواعدی است که نقض آنها به آثار کیفری فردی منجر خواهد شد ؛

ثانیاً – نگرانی به خاطر آثار جنگ بر غیر رزمندگان را منعکس می سازد ؛

ثالثاً – احتمالاً طبیعی ترین راهکار برای مقاصد کنترل تسلیحات خلع سلاح ، محدودیت استفاده از برخی سلاح ها در طول درگیری مسلحانه می باشد .<sup>۲</sup>

با این حال فرهنگ حقوق بین الملل در ذیل عنوان حقوق بین الملل بشر دوستانه ، آن را

مفهومی نسبتاً جدید می داند و بر آن است که کمیته بین المللی صلیب سرخ در سال ۱۹۵۶ آن را در عبارت نسبتاً محدودی چنین تعریف کرده است (( قواعدی در حقوق بین الملل که بویژه از اسناد ژنو و لاهه سرچشمه می گیرند.)) و در دنباله آن اضافه می کند که این عبارت مجدداً در سال ۱۹۶۵ در کنفرانس بین المللی صلیب سرخ در ژنو ظاهر شد و قطعنامه مربوط به حقوق بین الملل بشر دوستانه در مناقشات مسلحانه صادره در ۱۲ می ۱۹۶۸ در تهران این اصطلاح را برای پوشش دادن کنوانسیونهای لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ ، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو و

<sup>۱</sup> سید کمال رفیعی ، پیشین ، صفحه ۲۷.

<sup>۲</sup> پیشین ، صفحه ۴۴.

کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ مورد استفاده قرار داد. سپس می افزاید حقوق بین الملل بشر دوستانه یا مسائلی از قبیل به کارگیری سلاح ها و ابزارهای جنگیدن و رفتار با قربانیان جنگ از سوی دشمن، یعنی برخورد مستقیم جنگ با زندگی، تمامیت شخصی و آزادی موجودات انسانی را مورد بررسی قرار می دهد و همه موضوعات مربوط به حقوق جنگ سنتی را پوشش نمی دهد..... (( این موضوعات )) خارج از قلمرو حقوق بین الملل بشر دوستانه قرار می گیرند زیرا مبتنی بر انگیزه ها و ملاحظات بشر دوستانه نیستند (( بنابراین آنگونه که گفته شده است (( حقوق بین الملل بشر دوستانه، مصالحه ای است بین مقتضیات نظامی و ملاحظات بشر دوستانه. قواعد آن، هم از ضرورت های نظامی پیروی می کند و هم از فرامین انسانی.))<sup>۱</sup>

### ب) حقوق بین الملل کنترل تسلیحات ( و خلع سلاح )

خلع سلاح و کنترل تسلیحات از دیرباز به عنوان یکی از ابزارهای مهم حفظ و تقویت صلح و امنیت بین المللی شناخته شده است. پیش بینی های میثاق جامعه ملل و منشور ملل متحد در زمینه همکاری های بین المللی جهت کنترل تسلیحات بیانگر اهمیت نقش مجامع بین المللی در ارائه و پیشبرد طرح های مربوط به تنظیم و تهدید تسلیحات است. انفجار نخستین بمب هسته ای بر فراز هیروشیما، کمتر از دو ماه پس از امضای منشور ملل متحد در سانفرانسیسکو و آثار دهشتناک و غیرقابل باور این حمله هسته ای مفاهیم سنتی امنیت جنگ و تسلیحات را یکسره دگرگون کرد و تقاضاهای جدیدی را برای کنترل تسلیحات هسته ای و حفظ و تحکیم صلح و امنیت بین المللی مطرح ساخت. اختصاص موضوع نخستین بندهای مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل متحد به مسئله تسلیحات هسته ای و ایجاد کمیسیون انرژی اتمی به منظور ارائه پیشنهاد های مربوط به تضمین استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی و حذف تسلیحات هسته ای به خوبی نشان دهنده نگرانی جامعه بین المللی از خطر گسترش چنین سلاح ویرانگری است این خواسته در دوران جنگ

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر: ر.ک: برگزیده ای از کتاب "خدمت و حمایت"، حقوق بشر دوستانه در عملکرد حرفه ای پلیس، ترجمه کتایون حسین نژاد، تهران، نشر سیر سپهر، سال ۱۳۸۳، ص ۱۸.

سرد به دلیل رقابت های آمریکا و شوروی و مسابقه تسلیحاتی گسترده برای مقابله با یکدیگر پاسخ مثبتی در پی نداشت.<sup>۱</sup>

در دوران جنگ سرد ، تنها دستاورد انعقاد معاهده منع گسترش سلاح های هسته‌ای و امضای قراردادهای دوجانبه میان دو ابرقدرت برای مهار مسابقه تسلیحاتی بود پس از جنگ سرد این امید به وجود آمد که سلاح های هسته ای به تدریج جایگاه خود را در استراتژی های نظامی از دست خواهند داد . بنابراین تقاضای فزاینده ای برای نیل به خلع سلاح هسته‌ای شکل گرفت . اما تحولات بعدی که متعاقب جنگ دوم خلیج فارس اتفاق افتاد این خوش بینی را با ناکامی روبرو ساخت . این تحولات نشان داد تا زمانی که قدرت های هسته ای نخواهند، سازمان ملل متحد، توفیق چندانی در امر خلع سلاح نخواهد یافت.

گرچه این دو اصطلاح امروزه اغلب به صورت مترادفی استعمال می شوند اما در مفهوم دقیق کلمه با یکدیگر تفاوت دارند . خلع سلاح را می توان فرآیندی دانست که در آن ، براساس تعهد حقوقی برای کاهش سطح فعلی تسلیحات اقداماتی صورت می پذیرد . این مفهوم بویژه سلاح هسته‌ای را در نظر دارد و بر آن است که آن را تا پایین ترین حد ممکن کاهش دهد . معاهداتی مانند منع آزمایشهای هسته‌ای و منع گسترش سلاحهای هسته‌ای و سالت ۱ و ۲ از جمله موافقتنامه های مربوط به خلع سلاح هستند . در خور توجه است که ایده خلع سلاح کامل و عمومی، یعنی برچیده شدن همه سلاح های هسته‌ای و کاهش همه انواع دیگر سلاحها تا آن سطح که امکان هرگونه جنگ تجاوز کارانه از بین برود ، به دلیل اینکه هیچ کس نمی توانست پاسخ موجهی به این پرسش اساسی بدهد که بر سر نظم سیاسی حاکم بر روابط بین الملل یک جهان غیر نظامی ، چه خواهد آمد شکست خورد و ایده کنترل تسلیحات جای آن را گرفت .

کنترل تسلیحات )) سیاستی است در جهت کاهش یا حذف ناپایداریها و بی ثباتی های نظامی با

<sup>۱</sup> سید کمال رفیعی ، پیشین ، صفحه ۲۹ .



هدف عمده کاستن از امکان و احتمال وقوع جنگ ، هر چند بدون تلاش برای برطرف کردن  
موجبات واقعی و زیر بنای جنگ ))<sup>۱</sup> .

بنابراین هدف کنترل تسلیحات حفظ صلح از طریق خودداری که از مسابقه تسلیحاتی که  
متضمن تأثیرات بی ثبات کننده است . این مفهوم اقداماتی از قبیل محدود کردن و کاستن از  
برخی تسلیحات، ممنوعیت برخی فعالیت‌های نظامی ، تنظیم صف آرای نیروهای نظامی ،  
ممنوع کر دن انتقال برخی اقلام مهم نظامی و ایجاد اطمینان در میان دولتها از طریق شفافیت  
بیشتر موضوعات نظامی را در برگیرد . اهداف دیگری همچون محدود کردن صدمات و  
خرابیهای جنگ و کاهش هزینه های نظامی نیز برای کنترل تسلیحات برشمرده شده است .<sup>۲</sup>

### گفتار دوم: تعریف سبک و کوچک و ماهیت ویژگی های آن

#### الف – تعریف سبک و کوچک

تعاریف مربوط به واژگان و عبارات در حقوق امری مهم تلقی می شود . با توجه به نفوذ  
فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی دولت ها و بسیاری از اشخاص حقوقی دیگر این امر می تواند  
قابل قبول باشد که شکل گیری قوانین حقوقی در بخش بین الملل بسیار دشوار است . هنجارهای  
برگرفته از منابع گوناگون ، همچون معاهدات و عرف نیز که هدف خود را برپایه مدیریت  
رفتار دولت ها و سایر افراد حاکم در قانون بین الملل پایه گذاری نموده است در معرض تفسیر  
دادگاههای بین المللی، سازمانها، دولت ها بوده و همچنین تغییرات بسیاری نیز در آن روی داده  
است . بنابراین تعاریف واضح و روشن امری بسیار مهم برای هماهنگی ، تنظیم گسترش و  
ارتقای حقوق بین الملل می باشد . در حقیقت جامعه بین المللی تمامی مقتضیات بخش سلاح های  
سبک و کوچک را مورد توجه قرار داده است . مسائل و موضوعات گسترده ایی که نیز در این  
میان وجود دارد که وابسته به فاکتورهای همچون تولید ، تجارت واسطه گر و غیره می باشد .

<sup>1</sup> <http://www.washingtonprism.org/showarticle.cfm?id=405>, (Last Update : 09/11/2009)

<sup>2</sup> <http://www.gunpolicy.org/firearms/region/england-and-wales>, (Last Update :07/04/2010)

چنین مسئله ای برای نخستین بار نگرانی هایی را در مورد امنیت و موارد انسان دوستانه مطرح می سازد علاوه بر این اصول تنظیمی سلاحهای سبک و کوچک نیز بر این اساس بسیار مشکل آفرین شده و نیازمند تعریف روشن و واضحی در خود خواهد بود.<sup>۱</sup>

بنابراین می توان گفت که تعریف سلاحهای سبک و کوچک نیز اولین گام در پایه گذاری یک سیستم حقوقی و قانونی می باشد. همچنین بحث در خصوص محدودیت های قانونی موجود بر روی تولید و انتقال تسلیحات سبک و کوچک امکان پذیر نخواهد بود، بر همین مبنا، ماهیت این نوع تسلیحات به صورت ناشناخته باقی می ماند با این وجود تعاریف صورت گرفته از سلاحهای سبک و کوچک نمی تواند باعث حل و فصل مشکلات و مسائل مورد نظر بشود. از طرف دیگر این موارد نسبت به مشارکت واقعی و مورد نیاز برای مقابله با خطراتی که از این نوع تسلیحات استفاده می کنند مهم و اساسی نخواهد بود. در نتیجه لازم است که در همین ابتدا بر روی تعریف و بررسی این گونه از تسلیحات سبک و کوچک متمرکز شویم.<sup>۲</sup>

همچنین این نکته که چه محدودیت ها و استثنائاتی در این رابطه وجود دارد نیز اهمیت خاصی برخوردار می باشد. بنابراین این بخش را یکی از بخشهای لازم برای حل مشکلات دانست نه این که تنها آن را به عنوان هدف نهایی قوانین بین المللی برشمرد. البته باید گفت یکی از مسئله اصلی و بنیادین در این بخش بودن و یا نبودن یک تعریف کلی قابل قبول از سلاحهای سبک و کوچک و دامنه آن می باشد.

به عنوان مثال در مباحث جاری در میان اتحادیه ملل چین تسلیحاتی به سه بخش تقسیم بندی شدند: ۱- مهمات جنگی، همچون تسلیحات ماشینی، تفنگ ها و ششلول های اتوماتیک یا

---

<sup>1</sup>Jozef Goldblat, *Arms Control: the New Guide to Negotiations and Agreements*, (London, SAGE Publication, 2003, p.249, Para 3-6)

<sup>2</sup> Andrew Latham, *Light Weapons and Human Security, Small Arms Control: Old Weapons, New Issues*. Ed. by J. Dhanapala et al, (England, Agashta, 1999), p.11

دستی و همچنین سایر تجهیزاتی که کالیبر آنه بزرگتر از ۶/۵ میلی متر و طول آنها بیشتر از ۱۰cm می باشد . سایر بخش ها و ویژگی های جاری در این زمینه نیز مهم ی باشد . ۲-

تجهیزات و مهماتی که قابلیت استفاده را برای اهداف نظامی و سایر موارد دارند و از جمله این تجهیزات نیز می توان به تسلیحاتی اشاره کرد که برای اهداف غیرنظامی طراحی شده اند اما نکته اینجاست که تمامی این موارد می توانند در طول جنگ نیز استفاده شوند . در حقیقت کالیبر این مهمات ۶ میلی لیتر بیشتر بوده و می تواند در برگیرنده بسیاری از مواد منفجره نیز در خود باشد . ۳- تسلیحات و مواد منفجره ای که دارای هیچ گونه ارزش نظامی نبوده و از جمله آنها می توان به سلاحهایی اشاره کرد که دارای کالیبر کمتر از ۶mm می باشند .<sup>۱</sup>

در حقیقت ، تپانچه ها ، تفنگ های سرپر و سایر تفنگ هایی که برای نهنگ گیری و ماهی گیری به کار می رود در این بخش قرار می گیرند. بنابراین این ادعا نیز وجود دارد که به جای تعریف ویژه این گونه از تسلیحات لازم است که تنها تعریفی گسترده از این موارد بعمل آورده شود . با این وجود به لحاظ سنتی تسلیحات تحت عنوان موادی در نظر گرفته شده اند که از سوی یک فرد حمل شده و از طریق آن آتش میشود . به طور کلی این موارد را می توان در دست حمل کرد و بر این اساس جدا از تسلیحات سنگین خواهند بود. بنابراین تا زمان جنگ جهانی دوم چنین سلاحهای سبک و کوچک از جمله تسلیحات و تجهیزات انفرادی ارتش بود که تنها به رقم ۱۲/۷ میلی متر محدود بوده و کالیبر آن نیز کمتر از سایر تسلیحات می باشد .<sup>۲</sup>

تعریف جنگ جهانی دوم از تمامی این مواد شامل سلاح هایی است که از طریق انسان قابل حمل می باشد که از جمله آنها می توان به تفنگ ، تفنگ های ماشینی سبک ، هفت تیرها و نارنجک اشاره کرد . به نظر می رسد که هیچ گونه پیشرفت قابل ملاحظه ای در این تعریف

---

<sup>1</sup>Takling Small Arms and Light Weapons: A Practical Guide for Collection and Destruction, (October 2002, p.3) (see:<http://www.bicc.de/weapons>) (Last Update:09/10/2010)

<sup>2</sup> Ibid., p.4.

البته تا اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی صورت نگرفت.<sup>۱</sup> این زمان، درست مصادف با وقتی بود که ناتو تعریف مربوط به تسلیحات قابل حمل دارای کالیبر کمتر از 50mm را ارائه نمود. این موارد شامل یک مجموعه از تجهیزاتی است که قابلیت دفاع با زره های نظامی و یا هلی کوپترها را دارد. سلاح هایی که می توانند با هلی کوپترهای کوچک و زره های سبک و همچنین تفنگ های خودکار نظیر کلاشینکف، M16، Uzi مقابله کنند نیز در زمره تسلیحات سبک و کوچک در نظر گرفته می شوند. تجهیزات دیگری همچون پرتاب کننده ها، موشک های زمین به هوا، تفنگ های ماشینی و یا سایر موارد مرتبط با آن نیز می توانند در این بخش قرار بگیرند. تمامی این موارد کلی را برای پیشرفت های گسترده تر در متن این تعاریف به وجود خواهد آورد.

سازمان ملل نیز از جمله پیشگامان انجام فعالیت های مربوط به تعریف سلاح های سبک و کوچک می باشد. در قطعنامه ۵۰/۷۰B مصوب ۱۲ دسامبر سال 1995،<sup>۲</sup> مجمع عمومی از دبیرکل خواست تا GGE<sup>۳</sup> را برای بررسی این موارد پایه گذاری نماید. از جمله این موارد نیز می توان به مفهوم کلی تجهیزات سبک و کوچک اشاره نمود. پنبلی که انواع گوناگون تسلیحات سبک و کوچک را در این کشمکش ها مفید و مؤثر می داند به گونه ای است که در آن سازمان ملل تمایل بسیاری دارد که نسبت به وظایف، دامنه و تجهیزات کلی تسلیحات سبک و کوچک واکنش نشان دهد. تعاریف احتمالی از این موضوع نیز از جمله فاکتورهایی است که در این گزارش آمده است. با توجه به پاراگراف ۱۱ از این گزارش GGE تمامی موارد زیر را در نظر گرفته است:

---

<sup>1</sup> *Small Arms and Light Weapons, The Human Security Dimension*, An Article by professor Keith Krause, The Graduate Institute of International studies, (Geneva, 2008, p.6)

<sup>2</sup> UN DOC (A/RES/50/70 B, 12 December 1995)

<sup>3</sup> Group of Governmental Experts